



دانشگاه قم

دانشکده الهیات

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

بررسی تطبیقی خودفریبی در فلسفه اخلاق غرب و آموزه‌های دینی اسلام

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر محسن جوادی

استاد مشاور:

سرکار خانم دکتر زهرا خزاعی

نگارنده:

مرضیه کلایی

بهار ۱۳۸۹

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تقدیم به:

تمامی پویندگان طریقت و علم و معرفت

تشکر و قدردانی

حمد و سپاس خدای را که توفیق کسب دانش و معرفت را به ما عطا فرمود. در این جا بر خود لازم می‌دانم از تمامی اساتید دوره‌ی کارشناسی ارشد که در طول سالیان گذشته مرا در تحصیل علم و معرفت و فضایل اخلاقی یاری نموده‌اند، تقدیر و تشکر نمایم.

از استاد گرامی و بزرگوار جناب آقای دکتر محسن جوادی که راهنمایی اینجانب را در انجام تحقیق، پژوهش و نگارش این پایان‌نامه تقبل نموده‌اند، نهایت تشکر و سپاسگزاری را دارم.

از سرکار خانم دکتر زهرا خزاعی به عنوان مشاور که با راهنمایی خود مرا مورد لطف قرار داده‌اند کمال تشکر را دارم.

چکیده

این تحقیق با هدف تبیین و مقایسه‌ی خودفریبی در فلسفه اخلاق غرب و آموزه‌های دینی اسلامی به رویکردهای مختلف تبیین خودفریبی می‌پردازد. مهم‌ترین رویکردهایی که در فلسفه‌ی غرب، مورد بررسی قرار گرفته است، رویکردهای مفهومی و تجربی است؛ این دو رویکرد در اسلام، اگرچه به طور غیرمستقیم، نیز به کار گرفته شده است، اما در آموزه‌های اسلام امکان وجود خودفریبی به عکس غرب مورد تردید نیست، بلکه در آیات، روایات و در اخلاق اسلامی در ضمن بحث از رذایل، ماهیت و مفهوم، مصداق و راه حل‌هایی از فریب نفس را می‌توان یافت و یا استنباط نمود.

هم‌چنین در اسلام هنگامی که از واقعیت در مقابل باور کاذب بحث می‌شود، گستره‌ی نگاه تنها به امور محسوس و دنیوی نیست بلکه خودفریبی، در مورد امور واقعی اخروی و معنوی و معتقدات مذهبی مطرح می‌شود، در حالی که در غرب، بیشتر به مسایل مربوط به این دنیا پرداخته است. با وجود تفاوت در رویکردهای تبیین ماهیت خودفریبی، هر دو حوزه‌ی تفکر اسلام و غرب به نکات مشترک و نتایج مشابهی در مورد ماهیت خودفریبی اشاره می‌کنند و دست یافته‌اند؛ در هر دو دیدگاه، داشتن باور متعصبانه و کاذب غیر موجهی که به صورت باور صادق نزد نفس جلوه می‌کند، مصداقی از خودفریبی است.

کلمات کلیدی: نفس، باور، مطابقت با واقع، تعصب، خودفریبی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	مقدمه
۲	تعریف مسئله
۳	سوالات اصلی تحقیق
۳	سابقه و پیشینه‌ی تحقیق
۳	ضرورت انجام تحقیق
۴	فرضیه‌ها
۴	هدف‌ها و کاربردهای مورد انتظار از انجام تحقیق
۴	بیان روش تحقیق

فصل اول: کلیات

۷	۱- تعریف خودفریبی
۷	۱-۱- روی کردهای تعریف خودفریبی
۱۲	۲-۱- تعریف واژگانی
۱۲	۱-۲-۱- واژه‌ی خود
۱۵	۲-۲-۱- واژه‌ی فریب
۱۷	۳-۲-۱- واژه‌ی خودفریبی
۱۸	۳-۱- مفهوم خودفریبی
۲۰	۴-۱- مصداق‌های خودفریبی
۲۴	۵-۱- نتیجه

فصل دوم: ماهیت خودفریبی در فلسفه‌ی اخلاق غرب: روی کرد مفهومی

۲۷	۲- روی کرد مفهومی
----	-------------------

- ۳۰-۱-۲- خودفریبی و دروغ به خود _____
- ۳۴-۲-۲- خودفریبی محال است _____
- ۳۵-۳-۲- تحلیل کارکرد اصطلاحات حاکی از خودفریبی _____
- ۴۱-۴-۲- قصدگرایی _____
- ۴۲-۱-۴-۲- تغییر تدریجی _____
- ۴۳-۲-۴-۲- دوگانگی نفس _____
- ۴۵-۳-۴-۲- حذف شرط تناقض باورها _____
- ۴۶-۵-۲- تعریف جدید _____
- ۴۶-۱-۵-۲- نقد روش های پیشین _____
- ۴۷-۲-۵-۲- خودفریبی مبتنی بر هویت _____
- ۵۹-۶-۲- نتیجه _____

فصل سوم: ماهیت خودفریبی در فلسفه‌ی غرب: روی کرد تجربی

- ۶۳-۳- روی کرد تجربی _____
- ۶۴-۱-۳- خودفریبی مستقیم _____
- ۶۵-۱-۱-۳- روشهای تغییر اطلاعات (تأثیر خواسته بر باور متعصبانه) _____
- ۶۶-۲-۱-۳- مبادی عقیده غیر عمدی غیر عقلانی (تأثیر انگیزه بر باور) _____
- ۶۸-۳-۱-۳- شرایط خودفریبی مستقیم _____
- ۶۹-۴-۱-۳- عملیات خودفریبی مستقیم _____
- ۷۰-۲-۳- خودفریبی پیچیده _____
- ۷۲-۳-۳- نقد قصدگرایی _____
- ۷۲-۱-۳-۳- خودفریبی عمدی _____
- ۷۴-۲-۳-۳- باورهای متناقض _____
- ۷۴-۳-۳-۳- نقد دوگانگی نفس از نظر ملی _____
- ۷۶-۴-۳- آزمون فرضیه _____

فصل چهارم: ابهامات خودفریبی در فلسفه اخلاق غرب

- ۸۳ _____ ۴- ابهامات خودفریبی
- ۸۳ _____ ۴-۱- مقایسه خودفریبی با پدیده های دیگر
- ۸۳ _____ ۴-۱-۱- خودفریبی و آرزواندیشی
- ۸۵ _____ ۴-۱-۲- خودفریبی و آکراسیا
- ۸۶ _____ ۴-۱-۳- خودفریبی و مذهب
- ۸۹ _____ ۴-۲- موضوع خودفریبی چیست؟
- ۹۰ _____ ۴-۳- چرا خودفریبی ماهیت گزینشی دارد؟
- ۹۱ _____ ۴-۵- نتیجه

فصل پنجم: ماهیت خودفریبی در آموزه های دینی اسلام

- ۹۳ _____ ۵- خودفریبی در آموزه های دینی اسلام
- ۹۴ _____ ۵-۱- خودفریبی در آیات قرآن
- ۹۵ _____ ۵-۱-۱- تطویع نفس
- ۹۶ _____ ۵-۱-۲- تسویل نفس
- ۹۹ _____ ۵-۱-۳- خدعه ی نفس
- ۱۰۴ _____ ۵-۱-۴- کید و مکر نفس
- ۱۰۵ _____ ۵-۱-۵- تزین نفس
- ۱۱۱ _____ ۵-۱-۶- توجیه گناه
- ۱۱۴ _____ ۵-۲- خودفریبی در روایات
- ۱۱۶ _____ ۵-۳- خودفریبی در اخلاق اسلامی
- ۱۱۷ _____ ۵-۳-۱- تاکید بر قوای نفس
- ۱۳۱ _____ ۵-۳-۲- تتمه

۱۳۸ _____ ۴-۵- نتیجه

فصل ششم: مرور و جمع بندی کلی

۱۴۲ _____ ۶- ارزیابی و نتیجه گیری

۱۴۲ _____ ۶-۱- مرور و ارزیابی

۱۵۴ _____ ۶-۲- نتیجه

۱۵۴ _____ ۶-۳- پیشنهاد

۱۵۶ _____ کتاب نامه

مقدمه

مقدمه

واژه‌ی خودفریبی، در سال‌های اخیر به ادبیات فلسفی غرب وارد شده است و متفکران غربی با روی کردهای متفاوت مفهومی و تجربی به بررسی و بحث پیرامون آن پرداخته‌اند. در مقابل، در ادبیات قرآنی و روایی اسلامی از قرن‌ها پیش، خودفریبی با عباراتی هم‌چون تسویل و خدعه‌ی نفس ذکر شده و در تفاسیر، اگرچه به صورت پراکنده، بررسی شده است؛ هم‌چنین در اخلاق اسلامی در تحلیل رذایل اخلاقی با توجه به قوای نفس و یا حب و بغض نفس، اگرچه به طور غیرمستقیم، مورد اشاره قرار گرفته است. توجه به خودفریبی، موجب می‌شود که ماهیت بعضی از بیماری‌های نفس مشخص شود.

در این پژوهش، ابتدا گزارشی از روی کردهای فلسفه‌ی غرب بیان شده است و سپس سعی شده است که آیات، روایات و مسایل اخلاقی مربوط به بحث در آموزه‌های دینی و اخلاقی اسلامی به صورتی نظم یافته ارائه شود و در نهایت به مقایسه‌ی روی کردهای فلسفه‌ی غرب و آموزه‌های اسلام به خودفریبی پرداخته شده است.

تعریف مسئله

خودفریبی مسئله‌ای است که به لحاظ امکان وجود، مفهوم و مصداق و چگونگی فرآیند وقوع آن مورد بحث و تا حدی مورد اختلاف است. با توجه به لفظ خودفریبی، امکان این که نفس هم فریبنده باشد و هم فریب خورده مورد تردید قرار می‌گیرد، زیرا خود، به عنوان فریبنده، باید آگاه از فریب باشد و به عنوان فریبته، لازم است که از فریب ناآگاه باشد. اما به طور کلی می‌توان گفت خودفریبی سعی در انکار، عدم پذیرش و یا غفلت از عقیده‌ی مطابق با واقع و مورد باور نفس است؛ هم‌چنین برخی آن را به صورت دروغ گفتن به خود و داشتن یا کسب باورهای متناقض هم‌زمان دانسته‌اند.

سؤالات اصلی تحقیق

- ۱- آیا خودفریبی ممکن است؟
- ۲- مفهوم و مصداق‌های خودفریبی کدامند؟
- ۳- ماهیت خودفریبی چیست؟
- ۴- وجه تمایز خودفریبی با پدیده‌هایی هم‌چون آرزواندیشی، ضعف اراده و عقاید خرافی چیست؟

سابقه و پیشینه‌ی تحقیق

در دهه‌ی اخیر، مقالات و کتاب‌هایی با نام خودفریبی به صورت نظم یافته، به زبان انگلیسی و توسط متفکران غرب با روی کردهای متفاوت مفهومی و تجربی به خودفریبی نگاشته و به چاپ رسیده است؛ در ادبیات قرآنی و روایی اسلام، به طور مستقیم و غیرمستقیم، آیات و احادیثی در این باره وجود دارد؛ هم‌چنین در کتب اخلاقی قدیم و معاصر، به طور غیرمستقیم و در بحث از قوای نفس، رذایل اخلاقی و بررسی لذت و الم نفس به این مسئله اشاره شده است؛ از این رو پژوهش نظم یافته و مستقلی در این باره در آموزه‌های دینی اسلام انجام نگرفته است.

ضرورت انجام تحقیق

فریب نفس اگر چه در متون اصیل اسلامی مورد اشاره قرار گرفته است، اما به صورت یک پژوهش مستقل مورد تحلیل و بررسی نبوده است؛ از اشارات موجود در آیات و روایات چنین استنباط می‌شود که این موضوع، مقدمه و یا نتیجه‌ی بیماری‌های نفس هم‌چون ریا و حسد و نیز بعضی از بیماری‌های مهلک نفس مانند عجب و جهل مصداق خودفریبی هستند، از این رو شناخت این رذایل اخلاقی در ذیل بحث از خودفریبی در اخلاق اسلامی بسیار مهم است و پرداختن به این بحث در حوزه اسلامی و به صورت مستقل لازم به نظر می‌رسد.

هم‌چنین این موضوع، در دهه‌های اخیر و به تازگی در فلسفه‌ی غرب مطرح شده است، پس مقایسه‌ی نتایج تحقیق در مباحث اخلاقی اسلامی با پژوهش‌های متفکران غرب به واضح‌تر شدن بحث کمک می‌کند.

فرضیه‌ها

- ۱- خودفریبی ممکن است.
- ۲- خودفریبی را می‌توان به صورت دروغ گفتن به خود دانست، ولی با رذایل مهم اخلاقی مانند عجب و جهل هم مرتبط است.
- ۳- خودفریبی تنها در ساحت معرفتی اتفاق نمی‌افتد، بلکه در ساحت عاطفی و ارادی نیز ممکن است.
- ۴- آرزواندیشی غیرعامدانه است ولی خودفریبی عامدانه است؛ بعضی از نمونه‌های ضعف اراده و خودفریبی یکی هستند، اما وجه تمایز آن دو در این است که در ضعف اراده، باور کاذب لازم نیست و در خودفریبی این مؤلفه مهم است؛ عقیده‌ی مذهبی نمونه‌ای از خودفریبی نیست اما باور به عقاید خرافی و کاذب نمونه‌ی خودفریبی است.

هدف‌ها و کاربردهای مورد انتظار از انجام تحقیق

هدف این پژوهش، تبیین و مقایسه ماهبت خودفریبی در فلسفه اخلاق غرب با آموزه‌های دینی اسلام است؛ همان‌طور که در ضرورت تحقیق ذکر شد، از آن‌جاکه پژوهش مستقلی با این موضوع در اخلاق اسلامی موجود نیست، نظم دادن به مطالب مرتبط با موضوع در متون اسلامی و تحلیل آن‌ها تا حد امکان را می‌توان یکی از اهداف و کاربردهای تحقیق در این موضوع دانست.

هم‌چنین تحقیق‌های انجام شده با این موضوع، در حوزه‌ی فلسفه‌ی غرب، ترجمه نشده و با دیدگاه‌های اسلامی مورد مقایسه قرار نگرفته‌است؛ از این رو ارائه‌ی گزارشی از آرای متفکران غرب در این باره و مقایسه‌ی آن با نظرات موجود در آموزه‌های دینی اسلام هم یکی دیگر از اهداف و کاربردهای این تحقیق می‌باشد.

بیان روش تحقیق

در این تحقیق روش کار، کتابخانه‌ای می‌باشد و ویژگی‌های خودفریبی، توصیف و ماهیت آن در فلسفه‌ی غرب و آموزه‌های دینی اسلام به صورت تحلیلی بررسی شده است و هم‌چنین در نهایت این دو حوزه‌ی فکری مورد مقایسه واقع شده‌اند.

فصل اول: کلیات

۱. تعریف خودفریبی

خودفریبی در فلسفه و اخلاق اسلامی در آثار برخی از فیلسوفان و عالمان اخلاق، با واژه‌های تسویل و تدلیس نفس و به عنوان کار قوه‌ی واهمه و نفس مسوله در رذایل اخلاقی مورد اشاره قرار گرفته است؛^۱ اما به طور مستقل بحث نشده و ابهامات مفهومی و مصداقی آن به تفصیل رفع نگردیده است.

در مقابل، در ادبیات فلسفی غرب اخیراً واژه‌ی self-deception به صورت جداگانه به تحلیل و بحث گذارده شده و نظم یافته است؛ اما با این حال روش‌ها و دیدگاه‌ها درباه‌ی آن بسیار متنوع است، و گاهی در تحلیل‌ها به موضوعاتی در روان‌شناسی نیز ارجاع داده شده است.^۲ به جهت نظم و تفصیل بیشتر دیدگاه‌های فلسفه غرب در این زمینه، سعی بر این است که در بحث‌ها از چارچوب موجود در ادبیات فلسفه غرب بهره‌جویم و همراه با تحلیل و بررسی مباحث، دیدگاه‌ها و مبانی مربوط به آن بحث در فلسفه اخلاق اسلامی را در این باره بیابیم و با نگرش فلسفه اخلاق غرب مقایسه می‌کنیم. به نظر می‌رسد که مبانی فلسفی لازم برای بحث از خودفریبی و تبیین آن در هر دو حوزه‌ی فلسفی غرب و اسلام به صورت تطبیقی فراهم باشد.

۱-۱- روی‌کردهای تعریف خودفریبی

تعریف‌ها و تبیین‌های خودفریبی به خصوص در فلسفه اخلاق غرب بسیار متنوع است، از این رو اشاره به روی‌کردها و سیر تعریف و تبیین لازم به نظر می‌رسد.

^۱ ابی حامد محمد بن محمد الغزالی، *احیاء علوم الدین*. (بیروت: نشر دارقنیه، ۱۴۱۲ه ق)، جزء الثالث. ص ۴۹۰ و محمدبن ابراهیم صدرالدین شیرازی (ملاصدرا). *رساله سه اصل*. (تصحیح: دکتر سید حسین نصر). (تهران، انتشارات روزنه، ۱۳۷۷). ص ۵۵

^۲ Herbert Fingarette. *Self-Deception*. (2000, Berkeley: University of Colifornia Press). p.12

برای شناسایی و تعریف یک امر، همانطور که در کتاب‌های منطق آمده است، باید از مراحل تصور و تصدیق آن عبور کرد. ابتدا، لازم است به تعریف واژگانی و لفظی آن پرداخت تا به طور اجمالی مشخص شود معنا و مقصود از لفظ آن امر چیست؛^۱ مثلاً، در این مرحله می‌توان با مراجعه به لغت نامه و استخراج معانی واژه‌های خود و فریب، تعریف لفظی خودفریبی را به دست آورد و معنای لفظ آن را تصور کرد. برخی هم‌چون آلفرد ملی^۲ معتقدند در تعریف واژگانی، که در سنت اسلامی به شرح اللفظ معروف است، یافتن معنای فریب و اضافه کردن واژه‌ی "خود" به آن کافی است.^۳

مرحله‌ی بعد، تعریف ماهوی و تفصیلی یک امر است که پاسخ به سؤال از چیستی آن می‌باشد؛ تعریف ماهوی، شیء خاص را از دیگر اشیاء مشخص و متمایز می‌کند.^۴ برای تعریف ماهوی خودفریبی، تعریفی ارائه می‌گردد که آن را از امور دیگر جدا سازد. برای مثال در این مرحله بحث می‌شود که خودفریبی حالت و صفت نفس است یا عمل آن؟ اگر گفته شود خودفریبی یک حالت نفس است، باید پرسید خودفریبی کدام حالت نفس است؟ پاسخ به این سؤال معادل فصل در تعریف حدی است و خودفریبی را از پدیده‌ها و فرآیندهای دیگر و احیاناً مشابه متمایز می‌کند.

یک روش برای فهم آسان یک امر از جمله خودفریبی و امتیاز آن از دیگر امور، ذکر مصادیق و مثالهای آن است، ارائه مثال خارجی عموماً برای انس بیشتر ذهن با معنی و مفهوم در مرحله بعد از ارائه تعریف صورت می‌گیرد؛ اما اگر بخواهیم از مصادیق برای یافتن تعریف واحدی استفاده کنیم می‌توانیم به روش استقرایی عمل کنیم.

در روش استقرایی یا مثال مبنا پیش از ارائه تعریف، مصادیق دقیق و فراوانی که نمونه‌ی کامل خودفریبی است بیان و بررسی می‌شود و سپس مفهوم کلی و ویژگی‌های ذاتی خودفریبی از آن‌ها استنباط می‌گردد؛ این روش سیر از جزئی به کلی است و در آن، پیش فرض ما این است

^۱ محمد رضا مظفر. المنطق. (تصحیح و تعلیق: علی شبروانی)، (قم: انتشارات دارالعلم، ۱۳۸۴)، ص ۱۰۱

^۲ Alfred R. Mele

^۳ Alfred Mele. **Self-Deception Unmasked**. (Princeton: Princeton University Press, 2001). p.6

^۴ محمد رضا مظفر، ص ۱۰۲

که خودفریبی در قالب مثال‌های واقعی و خارجی ممکن است و به طور ضمنی تصدیق کرده ایم که وجود خودفریبی ممکن است و در واقع، به هل بسیطه، سؤال از هستی، پاسخ مثبت داده ایم.^۱ به بیان دیگر مصداق‌هایی از خودفریبی را به طور دقیق و تا جایی بررسی می‌کنیم که اطمینان حاصل کنیم ویژگی‌های اساسی خودفریبی را یافته‌ایم؛ بنابراین با بررسی چند نمونه فرضیه ای درباره ویژگی‌های اصلی خودفریبی استنباط می‌شود و اگر آن فرضیه در مورد مصداق فراوانی صادق باشد، و برای آزمون گر اطمینان حاصل گردد، فرضیه تایید می‌شود؛ این شیوه، روش استقرایی، یکی از روی کردهای اساسی در تبیین خودفریبی است و با ارائه ی جزئیات بیشتر، روش آن را مورد بحث قرار خواهیم داد.^۲

بعد از این که به مفهوم و تصور از خودفریبی دست یافتیم و وجود یا امکان آن را تصدیق کردیم، می‌توان ثبوت یک حالت یا صفتی را برای آن بررسی نمود و به هل مرکبه، سؤال از وجود صفتی در آن پاسخ داد؛ مثلاً، می‌توان پرسید که آیا خودفریبی یک رذیلت است یا نه؟ آیا خودفریبی در عرصه عقیده و باور فرد واقع می‌شود یا در عمل و یا در عاطفه؟ به این معنا که موضوع فریب انعکاسی چیست؟ آیا فرد به لحاظ معرفت و عقیده خود را فریب می‌دهد؟ در احساس و تمایل فریب می‌خورد یا در عمل و اراده دچار فریب می‌شود؟

بررسی و تصدیق علت وجود خودفریبی و یا علت ثبوت ویژگیهای خودفریبی در مرحله ی بعد انجام می‌گیرد؛ و بحث از عامل و علت خودفریبی نیز به روشن شدن ماهیت این مفهوم و مصداق اخلاقی کمک می‌کند. به این ترتیب با طی این مراحل، معرفت تصدیقی به خودفریبی نیز حاصل و فرآیند تعریف کامل می‌شود؛ مراحل که تا کنون مطرح شد، گامهایی است که در کتب منطق برای ارائه تعریف کامل یک شیء به آن اشاره می‌شود.^۳

روش دست یابی به مفهوم یک موضوع اخلاقی در قرآن کریم تا حدی مشابه روی کرد علم منطق در تعریف اشیاء است به این صورت که در هر دو، ابتدا سعی می‌شود منظور از واژه و مفهوم آن روشن شود و سپس برای دریافت تصور جامع و تفصیلی به مصداق‌های آن نیز مراجعه

^۱ محمد رضا مظفر، ص ۱۱۰

^۲ Alfred Mele, *Self-deception unmasked*, p.9

^۳ محمد رضا مظفر، صص ۱۰۲ و ۱۰۳

می شود؛ دانشمند و قرآن پژوه ژاپنی، توشیهیکو ایزوتسو^۱، در بررسی مفاهیم عمده‌ی اخلاقی چنین روی کردی را در قرآن و در دو مرحله به کار می‌برد.

او ابتدا واژه‌هایی را که به لحاظ معنایی به مفهوم مورد بررسی نزدیک و مربوطند کنار هم قرار می‌دهد؛ مقایسه کردن معانی مشابه، مترادف و متضاد و به طور کلی واژه‌های مرتبط مفهومی در قرآن، به روشن تر شدن معنا کمک می‌کند.^۲ در قرآن کریم مفهوم و فعل فریب دادن خود، در قالب جملاتی هم‌چون ﴿وَمَا تَخَذُ عُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ﴾^۳.

﴿وَكَذَلِكَ سَأَلْتِ لِي نَفْسِي﴾^۴ . ﴿وَمَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنْفُسِهِمْ وَمَا

يَشْعُرُونَ﴾^۵ بیان شده است؛ در مورد خودفریبی، واژه‌های مکر نفس، تسویل و تزئین آن از جمله مرتبطات مفهومی اند که باید مورد تامل قرار گیرند.

در گام بعدی، وی به آیات ناظر به مصداق و نمونه‌ی آن مفهوم اخلاقی می‌پردازد، پس ایزوتسو در گام دوم، برای رفع ابهام یک مفهوم اخلاقی، بررسی از طریق مرتبطات مصداقی یعنی بررسی داده‌ها، گزاره‌های ناظر به مصداق آن واژه در قرآن را پیشنهاد می‌دهد.^۶ برای مثال در قرآن کریم منافقان، برادران یوسف و سامری از جمله مصداق‌های فریبده‌ی خود معرفی شده‌اند، در این مرحله لازم است احوال این نمونه‌ها را به عنوان مصداق خودفریب، مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم تا تصور کامل‌تری به دست آوریم و خودفریبی را بشناسیم.

شیوه‌ی تصور و تصدیق برای تعریف خودفریبی، در یک نگاه دیگر با سه رویکرد لغوی،^۷ مثال مبنا^۸ و نظریه-راهنما^۹ از سوی ملی، فیلسوف امریکایی، نیز بیان شده است، روش مثال مبنا

^۱ Toshihiko Isotso

^۲ توشیهیکو ایزوتسو، مفاهیم اخلاقی-دینی قرآن. چ اول، (ترجمه: فریدون بدره‌ای). (تهران: نشر پژوهش فرزانه، ۱۳۷۸). ص ۷۲

^۳ بقره، ۹

^۴ طه، ۹۶

^۵ انعام، ۱۲۳

^۶ توشیهیکو ایزوتسو، ص ۷۲

^۷ lexical

^۸ Example-based

^۹ Theory-guided

همان استقرا ناقص است و در آن یک نمونه به طور دقیق بررسی می شود تا این که بینیم واقعا می توان به آن خودفریبی گفت و اگر چنین باشد شاخصه های آن به صورت فرضیه استخراج می شود و تا جایی که آزمون فرضیه، شاخصه ها را در حد بالایی تایید کند، استقرای نمونه ها ادامه می یابد. اما سیر یافتن تعریف خودفریبی در روش نظریه-راهنما بر اساس یک نظریه ی صحیح و واضح در مورد علت یا ماهیت آن به پیش می رود؛ یعنی، ابتدا یک نظریه ی دقیق و صادق درباره ی علت یا ماهیت خودفریبی بیان می شود و با توجه به آن می توان خودفریبی را تبیین کرد،^۱ برای مثال می توان نظریه ای همچون دوگانگی نفس را به عنوان پیش فرض و نظریه ی راهنما در نظر گرفت و سپس در مورد خودفریبی چنین گفت که در واقع بخشی از نفس بخش دیگر را می فریبد، البته لازم است در ابتدا تصور و تصدیق واضحی از دوگانگی نفس ارائه نمود، زیرا در صورت ابهام در بیان نظریه ی مبنا، تعریف حاصل از آن مورد اعتماد نخواهد بود. اگرچه این شیوه نیز روی کردی در تعریف است اما ملی آن را توصیه نمی کند زیرا یافتن نظریه ی راهنما که صحیح، دقیق و مربوط به خودفریبی باشد، کاری بسیار دشوار است.^۲

بنابراین روی کردهای اساسی تعریف یک موضوع، به ویژه خودفریبی، را چنانچه در بیان ملی آمده است می توان به سه صورت کلی دانست: اول، از واژه و مفهوم ذهنی به سوی تعریف می رویم، مانند روی کردی که در منطق مطرح شد. در این روی کرد از مثال واقعی، تنها برای روشن شدن تعریف و بررسی امکان وجودی آن در عالم خارج استفاده می شود. روی کرد دوم، از استقرا در نمونه های واقعی به سمت تعریف می رویم، در این روی کرد، امکان وجود خودفریبی در عالم واقع تایید شده است و نیازی به بررسی آن نمی باشد، مثال ها در استقرا نقش اساسی دارند زیرا تعریف و تبیین خودفریبی از استقرا و بررسی آن ها حاصل می گردد، روی کرد ملی در تعریف خودفریبی، برای اجتناب از مشکلات و ابهامات دو روی کرد دیگر مثال-مبنا یا استقرایی است. سوم، از نظریه به تعریف رهنمون می شویم، در این روش نظریه ی راهبر در مورد علت و یا ماهیت مکر نفس، نقش اصلی را برای تعریف ایفا می کند.

¹ Alfred Mele, *Self-Deception Unmasked*. p.5

² Ian Deweese-Boyed, "Self-Deception", 17 oct 2006, <http://plato.stanford.edu/entries/self-deception> . 6/2/2008, p.4